

# هیلری کلینتن، برنی سندرز، و دانالد ترامپ

## بخش اول: هیلری جنگ طلب تشنه قدرت

محمد سهیمی

مقدمه

انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری دو حزب سیاسی عمده آمریکا به پایان خود نزدیک میشوند. در حزب جمهوریخواه آقای دانالد ترامپ نامزد قطعی حزب میباشد، و در حزب دموکرات خانم هیلری کلینتن از آقای برنی سندرز، سناتور مستقل از ایالت ورمانت که در مجلس سنای آمریکا معمولاً با سناتورهای حزب دموکرات متحد است، جلوتر است. در طول این انتخابات شاهد انقلاب سیاسی، هم در جناح چپ و هم در جناح راست، بوده ایم.

در جناح چپ برای اولین بار از زمان جنگ دوم جهانی نامزد یک حزب عمده سیاسی آمریکا، یعنی آقای سندرز، علناً خود را سوسیالیست معرفی کرده است و نه تنها از طرف مردم ردّ نشده است، بلکه خیل عظیمی از آنها، بخصوص جوانان، از ایشان حمایت کرده است، و تا لحظه نوشتن این مقاله در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات [در ۲۰ ایالت](#) برنده شده است، درحالیکه خانم کلینتن [۲۶ ایالت](#) را برده اند.

ساختار سیاسی آمریکا به شکلی است که فقط دو حزب عمده آمریکا توان رقابت در تمامی کشور را دارند. احزاب متعدد کوچک دیگری نیز در آمریکا وجود دارند، ولی قادر به رقابت با دو حزب عمده نیستند. آزادی صوری احزاب نباید به معنای آزادی واقعی احزاب گرفته شود. احزاب در آمریکا آزاد هستند، ولی در عین حال شرایطی در طول تاریخ درست کرده اند که هیچ فرد و گروهی نتواند خارج از این دو حزب به قدرت برسد. کافی است انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را با اروپا مقایسه کنید. مثلاً در فرانسه ۱۰ نفر نامزد ریاست جمهوری از احزاب مختلف خود را در برابر داوری مردم قرار داده و از امکانات رسانه ای و اجتماعی برابر برخوردار شدند. از طرف دیگر، در آمریکا مطلقاً خبری درباره نامزد ریاست جمهوری حزب سبزها نه گزارش میشود و نه صحبت. این وضعیت به اصطلاح دموکراسی آمریکایی است که شیوه های حذف و طرد خاص خود را دارد و متأسفانه آنها را دموکراتیک هم نمایش می دهد. پول سالاری و لابی سالاری جا افتاده ای وجود دارد که قشر یک درصدی پولدار آمریکا را با این دو حزب پیوند داده است.

تعداد ایرانیان مقیم آمریکا به اندازه ای نیست که تأثیری بر انتخابات آمریکا داشته باشند. اگر هم تأثیری داشته باشند، در مرحله مقدماتی تأثیرگذار نیستند. یعنی ایرانی ها نمی توانند هیچ تأثیری بر انتخاب دو نامزد نهایی حزب جمهوریخواه و دموکرات بگذارند. از این رو هدف مقاله حاضر آگاهی بخشی به ایرانیان درباره نامزدهای ریاست جمهوری و تأثیر هر یک از آنان بر سرنوشت ایرانیان است. در این بخش از مقاله با مواضع خانم کلینتن آشنا می شویم، و بخش دوم به مواضع آقای سندرز و بخش سوم به

مواضع آقای ترامپ اختصاص خواهد داشت. از طریق این سه شخصیت شناخت بیشتر و بهتری از جامعه و دولت آمریکا نیز پیدا می‌کنیم. مانند همیشه لینک به تمامی مراجع این مقاله در نسخه پی دی اف آن موجود هستند.

## تاریخچه و مواضع خانم هیلری کلینتن

در این بخش از این سری مقاله به بررسی مواضع خانم کلینتن می‌پردازیم. برخی از فمینیست‌های معروف آمریکا از خانم کلینتن حمایت کرده‌اند، چون معتقد هستند که انتخاب ایشان به ریاست جمهوری آمریکا نه تنها واقعه‌ای تاریخی خواهد بود، بلکه برای حقوق خانم‌ها و تساوی آنها با آقایان نیز بسیار مفید خواهد بود. به عنوان مثال، [پروفسور سوزنا دانتا والترز](#)، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه نورت ایسترن در باستون و مدیر برنامه مطالعات جنسیت و تمایلات جنسی در آن دانشگاه، که خود را یک "سوسیالیست-فمینیست" میداند، با چنین استدلالی [از خانم کلینتن حمایت کرده است](#). ولی آیا واقعا کارنامه خانم کلینتن حاکی از حمایت تام ایشان از حقوق خانم‌ها بوده است؟

پاسخ این سوال را یک سوسیالیست-فمینیست دیگر، که حمایت خود را از سناتور سندرز اعلام کرده است، میدهد. [خانم لیزا فدرستن](#)، روزنامه نگار، استاد الحاقی روزنامه نگاری در دانشگاه‌های [نیو یورک](#) و [کلمبیا](#) میباشد. در [مقاله‌ای در مجله نیشن](#) خانم فدرستن یادآوری میکنند که زمانیکه همسر خانم کلینتن، بیل کلینتن، فرماندار ایالت آرکانزاس بود، خانم کلینتن رهبری تضعیف اتحادیه آموزگاران -- که اکثریت عظیم آن خانم، و اکثریت بزرگ خانم‌های آن سیاهپوست بودند -- را به عهده داشت، و اتحادیه را برای نظام آموزشی خیلی بد آن ایالت سرزنش میکرد. حتی در چندماه اخیر [خانم کلینتن بارها تأکید کرده است](#) که اگر به ریاست جمهوری برسد، مدارس دولتی را که کار خود را به گمان ایشان خوب انجام نمی‌دهند خواهد بست. [۸۷ درصد تمامی آموزگاران](#) در مدارس ابتدائی و راهنمایی خانم‌ها هستند، و تهدید به بستن آنها، که در حقیقت یک خواسته قدیمی جناح راست آمریکا میباشد، آنها را در حالیکه دلیل اصلی سیستم بد آموزشی آمریکا نداشتن آموزگار و بودجه به اندازه کافی است، چه نتایجی برای خانم‌ها خواهد داشت؟ در عین حال خانم کلینتن با طرح سناتور سندرز برای مجانی بودن دانشگاه در دوره لیسانس، که سود اصلی آن به اقلیت‌ها و لایه‌های کم درآمد جامعه می‌رسد، مخالفت کرده است. بیاد داشته باشیم که [۵۷ درصد دانشجویان](#) در آمریکا خانم‌ها هستند.

ولی فعالیت‌های خانم کلینتن که به خانم‌ها آسیب زده است منحصر به موارد بالا نیستند. یکی از مخرب‌ترین قانون‌هایی که دولت آقای بیل کلینتن به تصویب کنگره آمریکا رساند قانون تجدید نظر در برنامه "رفاه" (ولفر) در ماه اوت ۱۹۹۶ بود، یعنی دقیقاً درست در زمانیکه ایشان در کارزار انتخاباتی برای دور دوم ریاست جمهوری خود بود. این قانون به خانواده‌هایی که در زیر خط رسمی فقر در آمریکا زندگی میکنند کمک‌های مالی و غذائی میدهد. [قانون جدید آقای کلینتن](#)، که دقیقاً مطلوب جناح راست آمریکا از دهه ۱۹۷۰ بود، شرایط را برای دریافت این کمک‌ها بسیار سخت کرد. میلیون‌ها کودک و نوجوان در خانواده‌های فقیر از اینگونه کمک‌های محروم شدند، صد هزار مهاجر قانونی در آمریکا نیز [امید خود را برای زندگی بهتر از دست دادند](#)، و زیان‌های جبران ناپذیری به طبقات محروم و کم درآمد

وارد شد. در حالیکه آقای رابرت رایش وزیر مترقی کار آقای کلینتن با این قانون جدید به شدت مخالف بود، در حالیکه آقای پیتر ادلمن معاون وزیر بهداشت و خدمات انسانی آقای کلینتون [از سمت خود به نشان اعتراض استعفا داد](#) (آقای رایش هم حاضر نشد در کابینه آقای کلینتن در دور دوم ریاست جمهوری شرکت کند)، خانم کلینتن [مهمترین حامی و رهبر انهایی بود](#) که از این قانون جدید حمایت میکردند. این در حالی است که [دستکم ۲۳ درصد مردم آمریکا](#) از این کمک‌ها استفاده میکنند که در میان آنها [میلیون‌ها مادر مجرد با چندین فرزند وجود دارد](#)، و قانون جدید میلیون‌ها نفر را از حداقل کمک‌های دولتی محروم نموده است. در آن زمان دولت آقای کلینتن و شخص خانم کلینتن قول دادند که در عوض فشار خواهند آورد تا حداقل دستمزد را افزایش دهند، ولی هیچ‌کاری انجام ندادند. ۲۰ سال بعد، در حالیکه سناتور سندرز خواهان دستمزد حداقل ۱۵ دلار در ساعت است، خانم کلینتن [از ۱۲ دلار در ساعت حمایت می‌کند](#)، این در حالی است که در [لوس آنجلس](#)، [سیاتل](#)، و بسیاری از شهرهای دیگر خود شهردارها حداقل دستمزد را بالا برده‌اند. از همه بدتر، قانون آقای کلینتون تبعیض‌های نژادی در آمریکا را [بشدت افزایش داد](#). وقتی اخیراً از خانم کلینتن راجع به این "میراث تاریخی" ایشان و همسرشان سوال شد، [ایشان پاسخ ندادند](#).

انهایی از ما که در آمریکا زندگی میکنند بخوبی با بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ -- ۲۰۱۰ آشنا هستند. میلیون‌ها نفر از مردم خانه و کاشانه خود را بدلیل وام‌های بدی که بانک و مؤسسات مالی به آنها داده بودند، و همچنین اخراج از کار خود و بیکاری از دست دادند. بانک‌ها و مؤسسات مالی وال استریت مهمترین عامل این بحران بودند. [یک مطالعه در دانشگاه کلمبیا](#) نشان داد که در رکود اقتصادی بزرگ سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ مادران مجرد بیشتر از هر گروه دیگری اموال، خانه، ماشین و کار خود را از دست دادند. دوست و حامی بزرگ شرکت‌ها، بانک‌ها، و مؤسسات مالی وال استریت کیست؟ خانم کلینتن که برای آنها سخنرانی [۲۲۵۰۰۰ دلاری می‌کند](#)، و حاضر نیست که به پیشنهاد سناتور سندرز مبنی بر انتشار متن سخنرانی خود عمل کند. برخی معتقدند که اگر متن آن سخنرانی‌ها منتشر شوند، خانم کلینتن [مجبور به کناره‌گیری از انتخابات خواهد شد](#). [گزارش‌های معتبر نشان میدهند](#) که در آن سخنرانی‌ها خانم کلینتن قول داده بود که اگر به ریاست جمهوری برسد، نه تنها نظارت دولت بر وال استریت افزایش نخواهد یافت، بلکه برخی از قوانین سخت‌تر که بعد از بحران سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ تصویب شده بودند نیز ممکن است مرور و حتی لغو شوند. گزارش‌های معتبر همچنین نشان میدهند خانم کلینتن حتی مؤسسات مالی وال استریت را [تحسین نیز کرده است](#).

آنچه که تابحال مورد بحث قرار گرفت مواضع خانم کلینتن درباره چند موضوع مهم داخلی بود. ولی آنچه که برای نگارنده مهمتر از هر موضوع دیگری است مواضع ایشان درباره سیاست خارجی، بخصوص درباره ایران و خاورمیانه میباشد. چند ماه قبل نگارنده [مقاله بسیار مفصلی درباره مواضع خانم کلینتن](#) در مورد سیاست خارجی به زبان انگلیسی منتشر کرد، که خلاصه‌ای از آن در اینجا ذکر میشود.

**سیاست آمریکا و همه جهان در خدمت اسرائیل:** هر سیاست و یا موضعی که خانم کلینتن درباره خاورمیانه می‌گیرد به زیان کشورهای اسلامی ناحیه و بسود اسرائیل است. حتی یک مورد استثنائی درباره این موضوع وجود ندارد، و یا دستکم نگارنده قادر نبود بیابد. همه ما از تلاش‌های آقای بنیامین نتانیاهو برای جلوگیری از توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ مطلع هستیم. ایشان حتی در نهایت

وقاحت در کنگره آمریکا سخنرانی کردند، و از کنگره خواستند که از توافق جلوگیری کنند. این موضوع باعث خشم بسیاری در حزب دموکرات آمریکا شد، ولی خانم کلینتن ماه هاست که سعی دارد چهره دیگری از آقای نتانیا هو عرضه کند. ایشان اعلام کرده است که اگر رئیس جمهور شود، اولین اقدام ایشان دعوت از آقای نتانیا هو برای بازدید از کاخ سفید است "تا روابط آمریکا و اسرائیل را به سطح بالاتری برسد". سطح بالاتر؟ مگر از این بالاتر و نزدیکتر هم امکان دارد؟ آمریکا اسرائیل را در شورای امنیت سازمان ملل محافظت می‌کند و مانع از مجازات اسرائیل توسط جامعه جهانی برای ستم انگشور به فلسطینیان میشود، به آن سال هاست سالی متجاوز از ۳ میلیارد دلار کمک بلاعوض میدهد، و در حال مذاکره با اسرائیل است که کمک را تا سقف ۵-۴ میلیارد دلار در سال افزایش دهد، و این درحالی است که زیربنای آمریکا در حال فروریزی است و کنگره مایل نیست برای آن بودجه تصویب کند، ۴۵ میلیون آمریکایی در زیر خط فقر زندگی میکنند، دستکم پانزده میلیون کودک و نوجوان به سو تغذیه مبتلا هستند، و دستکم ۳۰ میلیون نفر از مردم دارای بیمه سلامتی نیستند.

در مقاله ای که خانم کلینتن در ژانویه درباره اسرائیل در اینجا منتشر کرد، کوچکترین کلمه‌ای درباره رنج و درد مردم فلسطین به دلیل حملات شهرک نشین‌های اسرائیلی در کرانه باختری رود اردن وجود ندارد، و این در حالی است که حتی کودکان فلسطینی توسط این شهرک نشینان به قتل رسیده و کشته شدن آنها توسط اسرائیلی‌های افراطی جشن گرفته شده است. حتی آقای دنیل شیپرو، سفیر آمریکا در اسرائیل، در یک کنفرانس در ژانویه در اسرائیل گفت که مقدار زیادی از عملیات غیر قانونی گروه‌های فشار اسرائیلی در کرانه باختری بدون کنترل اتفاق می‌افتد. ایشان همچنین گفتند، "در [بسیاری از] اوقات به نظر می‌رسد دو نوع استاندارد تبعیت از قانون در کرانه باختری وجود دارند، یکی برای اسرائیلی‌ها و یکی برای فلسطینیان،" و همه اینها در حالی است که خانم کلینتن کورکورانه از جناح راست افراطی اسرائیل و اهداف آن حمایت می‌کند، حمایتی که مردمان مترقی اسرائیل آنرا رد کرده و خانم کلینتن را دوست واقعی اسرائیل میدانند. بی دلیل نیست که نیروها و شخصیت‌های مترقی حکومت اسرائیل بر کرانه باختری را نوعی نظام آپارتاید ارزیابی میکنند.

**دشمنی همیشگی با ایران:** دشمنی بیل و هیلری کلینتن با ایران سابقه ۲۵ ساله دارد. زمانیکه آقای کلینتن به سمت ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۹۳ رسید، سیاست "مه‌ار دوگانه"، که توسط مارتین ایندیک سفیر بعدی آمریکا در اسرائیل و یکی از مهمترین لابیگران آن کشور در آمریکا، طراحی شده بود، را توسط آقای آنتونی لیک، مشاور امنیت ملی خود به اجرا درآورد که هدف آن محاصره و مه‌ار ایران و عراق بود. آقای کلینتن با پشتیبانی همسرش با قرارداد نفتی دولت آقای اکبر هاشمی رفسنجانی با کمپانی کانکو در سال ۱۹۹۵ مخالفت کرد، که در واقع هدف آن بهبود رابطه با آمریکا بود، و سال بعد در ۱۹۹۶ تحریم کامل اقتصادی بر ضد ایران را، که نقض توافق ژانویه ۱۹۸۱ الجزائر بود، به اجرا گذاشت که هنوز به قوت خود باقی است. آقای کلینتن تا آستانه حمله نظامی به ایران نیز پیش رفت، که فقط انتخاب آقای محمد خاتمی به ریاست جمهوری در ۱۹۹۷ آن نقشه را برهم زد. بعد از پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات دور اول شوراهای شهر در ۱۹۹۸ و انتخابات مجلس ششم در ماه مارس ۲۰۰۰، آقای کلینتن

فقط ورود یسته، خاویار و فرش ایران را به آمریکا آزاد کرد، ولی کوچکترین کار عملی برای کمک به اصلاح طلبان و نیروهای دمکراتیک در ایران از طریق بهبود روابط آمریکا با ایران بر نداشت.

این دشمنی را خانم کلینتن کاملاً ادامه داده است. نه تنها در دورانی که ایشان سناتور ایالت نیو یورک بود به همه قطعنامه‌های ضد ایران رأی مثبت داد، بلکه در دوران کارزار انتخاباتی خود برای ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که اگر ایران به اسرائیل حمله کند (اتفاقی که احتمال وقوع آن اگر صفر نباشد، چیزی نزدیک به صفر است)، ایشان بعنوان رئیس جمهور "ایران را نابود خواهد کرد". البته نابودی ایران فقط با بمب‌های هسته‌ای امکان دارد، و در نتیجه ایشان در حقیقت ایران را تهدید به حمله هسته‌ای نمود. بعدها افشا شد که در آن دوران در حقیقت آقای حاییم صبان، میلیاردر امریکایی حامی اسرائیل، از خانم کلینتن و آقای اوباما، رقبای انتخاباتی آن زمان پرسیده بود که در صورت حمله ایران به اسرائیل آنها بعنوان رئیس جمهور آمریکا چه کار خواهند کرد، و درحالیکه خانم کلینتن رسماً اعلام کرد که ایران را "نابود" خواهد کرد، آقای اوباما پاسخ داده بود "تدابیرات و اقدامات لازم را به مرحله عمل در خواهد آورد".

در سال ۲۰۱۰ در یک جلسه شورای امنیت ملی آمریکا خانم کلینتن پیشنهاد کرد که به اسرائیل درباره حمله به ایران "چراغ سبز" داده شود، که با مخالفت بقیه مواجه شد. در اکتبر سال ۲۰۱۱ خانم کلینتن پیشنهاد کرد که همانند شورشیان لیبی، اپوزیسیون ایران نیز باید تقاضای کمک از کشورهای خارجی کند، و رهبران جنبش سبز "اشتباه" کردند که تقاضا نکردند. در حقیقت ایشان می‌گفتند که اگر چنین تقاضایی میشد، آمریکا در ایران مداخله به اصطلاح بشردوستانه میکرد، که البته نتیجه آن چیزی کمتر از کشته شدن صد هزار ایرانی و تجزیه کشور نبود. نکته جالب این بود که خانم کلینتن آن پیشنهاد را در مصاحبه با بخش فارسی بی بی سی مطرح کرد، ولی مصاحبه همزمان هم در بی بی سی و هم در صدای آمریکا پخش شد، که نشان از هماهنگی پشت پرده درباره این موضوع داشت. دشمنی خانم کلینتن با ایران بدلیل حمایت کورکورانه ایشان از اسرائیل همچنان ادامه دارد.

در ماه اکتبر ۲۰۱۵ در یک مناظره با رقبای انتخاباتی خود، وقتی از ایشان پرسیده شد که از دشمنی چه کسی یا کشوری با ایشان به‌خود می‌بالد، ایشان "ایرانیها" را ذکر کرد، و حتی نگفت جمهوری اسلامی یا دولت ایران. ایشان ظاهراً ۸۰ میلیون ایرانی را دشمن خود به حساب می‌آورد. در تمامی دورانی که ایشان وزیر خارجه آمریکا بود، اگر کسی در خاور میانه حتی عطسه میکرد، ایشان ایران را مقصر قلمداد میکرد.

قدری اطلاعات درباره آقای صبان، میلیاردر هالیوود، به روشن شدن دشمنی خانم کلینتن با ایران کمک مینماید. ایشان و همسرشان تابحال ۶,۴ میلیون دلار به کارزار انتخاباتی خانم کلینتن کمک کرده‌اند. آقای صبان همیشه می‌گوید، "من مردی هستم فقط با یک موضوع، و موضوع [مورد علاقه] من اسرائیل است." ایشان همچنین اعلام کرده است که، "من به ایشان [خانم کلینتن] و هر کس دیگری که پرسیده است گفته‌ام. هرچه که [برای انتخاب خانم کلینتن] لازم باشد، ما خواهیم بود." ایشان همچنین خواهان تجسس و تحقیق بیشتر مسلمانان در آمریکا هستند.

اگرچه خانم کلینتن **با بی رغبتی** از توافق هسته‌ای با ایران حمایت کرده است، ولی در سخنرانی‌های خود درباره سیاست خارجی همیشه به این موضوع که در زمان وزارت خارجه ایشان بود که کم‌رشن‌ترین تحریمات اقتصادی تاریخ **بر ضد ایران برقرار شد** می‌بالد. در یک سخنرانی در ماه سپتامبر ۲۰۱۵ در **انستیتیوی بروکینگز در واشنگتن** ایشان اعلام کرد، "من به ایران به عنوان شریک در توافق هسته‌ای نمی‌نگرم. من معتقدم که ایران موضوع این توافق است." به عبارت دیگر، ایران یکی از "نوکران" آمریکا است که مجبور است دستور ارباب خود را "به جان خریده" و توافق را اجرا کند. در مقاله‌ای که ایشان در **جوئیس ژورنال چندی پیش منتشر کرد**، ایران را بار دیگر تهدید نمود: "باید به ایران یک پیام روشن بفرستیم. نباید هیچ‌گونه شکی در تهران باشد که اگر رهبران ایران به تعهدات خود مبنی بر عدم تولید سلاح هسته‌ای عمل نکنند، آمریکا آنها را متوقف خواهد کرد. آنها [ایرانیان] عزم ما را [برای اینکار] با آزمایش‌های موشک‌های بالیستیک خود امتحان خواهند کرد، که برای آن ما تحریم‌های جدید وضع خواهیم کرد. آنها باید بفهمند که اگر تعهدات خود را نقض کنند، آمریکا قاطعانه عمل خواهد کرد، از جمله، اگر لازم باشد، عملیات نظامی." در ماه ژانویه، بعد از یک آزمایش موشکی سپاه، خانم کلینتن به سرعت **خواهان تحریم‌های جدید بر ضد ایران شد**. خانم کلینتن **همچنین بارها گفته است** که مخالف بهبود روابط با ایران است، و بنا بر این **متحد عملی تندرهای تهران است**، چرا که آنها نیز مخالف بهبود روابط با ایران هستند.

یکی از خصوصیت خانم کلینتن که همه آنرا قبول دارند این است که ایشان با هوش، با اطلاع، و اهل مطالعه هستند. با این وجود، ایشان در طول سه سال گذشته جمهوری اسلامی، حماس، و داعش را یک کاسه کرده و **بطوری صحبت میکنند که گویی این سه متحد هستند**، درحالی‌که جمهوری اسلامی هم در عراق و هم در سوریه مشغول جنگ با داعش است، و از آغاز جنگ در سوریه پشتیبانی خود از حماس را **پایان داده است**. دلیل این ادعای بی اساس چیزی نیست مگر دشمنی دیرینه خانم کلینتن با ایران.

**عراق:** کمتر کسی است که از حمایت خانم کلینتن بعنوان سناتور ایالت نیو یورک از هجوم غیر قانونی آمریکا به عراق اطلاع نداشته باشد. **به سخنرانی ایشان در اینجا گوش کنید** تا عمق دروغ‌های ایشان درباره عراق را در پاییز سال ۲۰۰۲ دریابید. البته، ایشان از سال ۲۰۰۸ برای رأی خود در حمایت از هجوم به عراق ابراز ندامت نموده، و **آنرا اشتباه اعلام کرده اند**. ولی این پشیمانی فقط به دلیل آن بود که سناتور اوباما -- رئیس جمهور کنونی -- خانم کلینتن را در سال ۲۰۰۸ به شدت مورد انتقاد قرار داد. خانم کلینتن از هجوم به عراق حمایت کرد، **چون لابی اسرائیل در آمریکا خواهان حمله به عراق بود**. به مردم آمریکا و جهان **درباره عراق دروغ گفته شد**، و خانم کلینتن یکی از مهمترین و معروفترین حامیان این دروغ و جنگ عراق بود.

به گمان نگارنده پشیمانی خانم کلینتن از حمایت خود از هجوم به عراق دروغین است. در یک شهادت در سنای آمریکا بعد از **کشته شدن آقای کریستوفر استیونز**، سفیر آمریکا در لیبی، **خانم کلینتن چنین گفت**، "ما آموخته ایم که غیبت آمریکا در هر کجا، بخصوص نقاط بی ثبات، نتایج [بدی] خواهد داشت." به زبان دیگر، ایشان معتقد است که آمریکا ژاندارم جهان است و باید در همه جا حضور داشته باشد. خانم کلینتن از حمایت خود از جنگ در عراق "پشیمان" است، ولی حتی یکبار قبول نکرده است که شرایط وحشتناک

کنونی در خاورمیانه نتیجه مستقیم آن هجوم است. پس درسی که ایشان از جنگ غیر قانونی عراق آموخت چه بود؟

خانم کلینتن بارها درباره موفقیت‌های همسرش در دوران ریاست جمهوری ایشان نه تنها به خود بالیده، بلکه خود را شریک آن دستاوردها میدانند. در اینصورت ایشان شریک جنایات دولت آقای کلینتن در عراق نیز هست. تحریم‌های اقتصادی غرب بر ضدّ عراق به رهبری دولت آقای کلینتن بود که دستکم ۵۷۶،۰۰۰ کودک و نوجوان عراقی را به هلاکت رساند. وزیر خارجه آقای کلینتن و دوست خانم کلینتن، خانم مدلین آلبرایت بود که اعلام کرد سرنگونی رژیم صدام حسین آنقدر ارزش دارد که بخاطر آن کودکان و نوجوانان عراقی جان خود را از دست دهند. و در اوج افتضاح روابط آقای کلینتن با خانم مانیکا لوینسکی و استیضاح ایشان بود که آقای کلینتن برای انحراف افکار عمومی از آن افتضاح دستور بمباران هوایی عراق در ۱۹۹۸ را صادر کرد.

**فرمانده جنگ در لیبی:** کمتر کسی است که از نتایج فاجعه بار مداخله به اصطلاح بشردوستانه آمریکا و پیمان ناتو در لیبی در سال ۲۰۱۱ اطلاع نداشته باشد، فاجعه ای که لیبی، ثروتمندترین کشور آفریقا، را ویران کرد و تبدیل به مرکزی برای تروریست‌های القاعده، داعش و بقیه نمود. فاجعه ای که ایرانیان غرب-شیفته طرفدار تحریم‌های اقتصادی و تهدیدهای نظامی بر ضدّ مردم ایران برای آن دست زدند، هورا کشیدند، و دو نامه به پرزیدنت اوباما فرستادند که در یکی از آن‌دو از ایشان تقاضای مداخله نمودند، و در دیگری برای مداخله تشکر کردند. البته حال همان جماعت درباره لیبی در سکوت مطلق هستند و از دیوار صدا بلند میشود، ولی از این جماعت خیر. ولی چیزی که کمتر کسی راجع بدان آگاه است اینست که خانم کلینتن مهمترین حامی مداخله در لیبی بود. نه پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، و نه سازمان سیا مایل به مداخله در لیبی بودند، و پرزیدنت اوباما هم در این مورد تردید داشت. در گفتگوی اخیر آقای اوباما با آقای جفری گلدبرگ روزنامه‌نگار آمریکائی، آقای اوباما به تردید خود اشاره کرد. این خانم کلینتن بود که بر این مخالفت غلبه کرد، و از مسئح کردن تروریست‌ها در لیبی بر ضدّ آقای معمر قذافی حمایت کرد. رهبران اروپا، بجز فرانسه، نیز مایل به شرکت در جنگ لیبی نبودند، و این خانم کلینتن بود که با بازدید از پایتخت‌های اروپا رهبران این کشور هارا برای شرکت در جنگ متقاعد کرد.

"استدلال" خانم کلینتن برای مداخله در لیبی این بود که برای اولین بار آمریکا میتواند به تقاضای کشورهای عرب برای مداخله در جهان عرب و اسلام پاسخ مثبت دهد، و این نه تنها جایگاه آمریکا را در این کشورها تقویت خواهد کرد، بلکه در حقیقت علامت خوبی درباره "بهار عربی" به مردم این کشور خواهد فرستاد. البته مردم این کشور از این "رهبران" عرب متنفر هستند، و همه آگاه بودند که این رهبران منفور سالها به دنبال سرنگونی آقای قذافی بودند که نوکری آنهارا برای غرب مورد حمله و استهزا قرار میداد.

ولی حمایت از مداخله در لیبی تنها کار خانم کلینتن نبود. آقای سیدنی بلومنتال یکی از نزدیکان آقا و خانم کلینتن در ۲۵ سال گذشته است. در زمانی که خانم کلینتن وزیر خارجه بود، آقای بلومنتال "مشاور" ایشان بودند و برای ایشان بطور غیر رسمی اطلاعات جمع آوری میکردند. زمانی که جنگ لیبی آغاز شد، آقای

بلومنتال برای این منظور به اروپا رفت و از طریق ایمیل شخصی خانم کلینتن برای ایشان اطلاعات مهمی می‌فرستاد که اگر مردم اروپا و آمریکا از آنها آگاه می‌شدند حمله به لیبی اتفاق نمی‌افتاد. استفاده از ایمیل شخصی هم اکنون در دسر زیادی را برای خانم کلینتن ایجاد کرده است. در یک ایمیل آقای بلومنتال اطلاع میدهد که شورشیان مورد حمایت پیمان ناتو مشغول نژاد کشی هستند، که هیچگاه در مطبوعات اروپا و آمریکا راجع بدان صحبت نشد. آقای بلومنتال گزارش داد که نیروهای ویژه اروپایی و مصری که شورشیان را تعلیم میدادند، از جنایات آنها آگاه هستند. در ایمیل دیگری آقای بلومنتال گزارش داد که آقای نیکلاس سرکوزی رئیس جمهوری وقت فرانسه خواهان مداخله در لیبی است، نه برای کمک بشردوستانه به مردم آنجا، بلکه برای نمایش قدرت نظامی فرانسه، کنترل بخشی از نفت لیبی برای فرانسه (که بعد از جنگ اتفاق افتاد)، و تحکیم بخشیدن به شانس خود برای انتخاب مجدد در انتخابات ریاست جمهوری. در ایمیل دیگری آقای بلومنتال گزارش داد که تمامی شایعات درباره جنایات ارتش لیبی و تجاوز به خانم‌ها دروغ بوده و هیچگونه پایه‌ای در واقعیت ندارد. آقای بلومنتال همچنین گزارش داد که دولت لیبی دارای ۱۴۳ تن طلا و نقره است که آقای قذافی قصد استفاده از آنها بعنوان پشتیبانی برای یک پول جدید در سطح قاره آفریقا را دارد که اگر اینکار انجام شود، ضربه بزرگی به اقتصاد فرانسه وارد خواهد شد، چراکه کشورهای آفریقا استفاده از فرانک فرانسه را کنار خواهند گذاشت. آقای بلومنتال همچنین درباره نفوذ القاعده در لیبی تأکید کرد. خانم کلینتن تمامی این واقعات را پنهان کرد.

در ۳ مارس ۲۰۱۱ پرزیدنت اوباما اعلام کرد که مرحوم معمر قذافی باید از قدرت کنار رود. صرف نظر از اینکه هیچ مرجع قانونی بین‌المللی به ایشان این حق را نداده بود که خواهان کناره‌گیری رهبر یک کشور دیگر از قدرت شود، در ۷ مارس ۲۰۱۱ مرحوم قذافی پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از خون‌ریزی، به همراه خانواده خود، به شرط دادن تضمین‌های امنیتی، از قدرت کنار رفته و از لیبی خارج شود. این پیشنهاد توسط شورشیان رادیکال اسلامی مورد حمایت غرب به سرعت رد شد، چراکه آنها این کناره‌گیری را "آبرو مندانه" می‌دانستند و مایل نبودند که مرحوم قذافی با آبرو کناره‌گیری کند. غرب نیز از زمان به قدرت رسیدن آقای قذافی در ۱۹۶۷ همیشه به دنبال سرنگونی ایشان بود. هدف خانم کلینتن تغییر رژیم لیبی از طریق مداخله نظامی بود، نه دموکراتیک کردن آن کشور. آقای گریکای جنگو از دانشگاه هاروارد، که درباره لیبی و آفریقا مطالعات زیادی دارد، و روزنامه نیو یورک تایمز که مدافع حمله به لیبی بودند، هر دو اذعان کردند که نظام شورایی آقای قذافی از دموکراسی بسیاری از کشورهای اروپا پیشرفته‌تر بود.

یکی از شنیع‌ترین کارهای خانم کلینتن در رابطه با لیبی واکنش ایشان به خبر قتل آقای قذافی بود. زمانی که دستیار ایشان به خانم کلینتن خبر قتل را داد، ایشان با شادمانی اعلام کردند: "آمدیم، دیدیم، او [مرحوم قذافی] مرد" که تقلید از سخن معروف ژولیوس سزار امپراطور روم بود که بعد از تسخیر ناحیه پنتس در کنار دریای سیاه [در ترکیه کنونی] در پیامی به سنای روم گفت، "آمدم، دیدم، تسخیر کردم". البته آمریکا به گمان جنگ طلبان آن امپراطوری عصر مدرن میباشد. از برکات مداخله به اصطلاح بشر دوستانه در لیبی همین بس که در حال حاضر دستکم سه هزار تروریست داعش در لیبی هستند.



**سوریه:** خانم کلینتن همیشه از مسلح کردن نیروهای مخالف دولت سوریه، که بر طبق اعتراف آقای جو بایدن در اکتبر ۲۰۱۴ بخش عظیم آن نیروهای تروریستی هستند، حمایت کرده است. ایشان همچنین خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع برفراز سوریه بوده است. باید از خود بپرسیم: منطقه پرواز ممنوع برای چه گروهی یا نیرویی؟ در برابر نیروی هوایی روسیه؟ اگر اینطور است، واکنش آمریکا به ورود جنگنده و بمب افکن‌های روسیه به این منطقه چه خواهد بود؟ آغاز جنگ جهانی سوم؟ نیروی هوایی سوریه؟ نیروهای دولتی بسیار به ندرت از بمب افکن استفاده میکنند، و حال نیز مورد حمایت نیروی هوایی روسیه هستند. ظاهراً خانم کلینتن معتقد است که ایجاد چنین منطقه‌ای به جنگ هوایی با روسیه منتهی نخواهد شد، ولی به آمریکا در برابر روسیه برتری خواهد داد. خانم کلینتن همچنین گفته اند که، "فکر می‌کنم آمریکا باید برای پوتین روشن کند که حضور روسیه در سوریه قابل قبول نیست." حال چرا حضور آمریکا و متحدان آن در سوریه قابل قبول است، روشن نیست. روسیه به دعوت دولت قانونی سوریه، که توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته میشود، در آنجا حضور دارد. برای ترکیه، عربستان، قطر، امارات متحده عربی، آمریکا، فرانسه و بریتانیا چه کسی دعوتنامه برای حضور در سوریه فرستاده است؟ چون خانم کلینتن معتقد است آمریکا "استثنایی" است، و همانطور که قبلاً ذکر شد باید در همه جا حضور داشته باشد.

## تیم سیاست خارجی کلینتن

نگاهی به تیم مشاوران سیاست خارجی خانم کلینتن درچه دیگری را بر نگاه ایشان به مسائل سیاست خارجی باز می‌کند. اینطور که گفته میشود تیم مشاوران سیاست خارجی خانم کلینتن متشکل از صدها نفر میباشد، ولی ظاهراً دو نفر در آن نقش اصلی را دارند. یکی از آنها آقای جیک سالیوان ۳۹ ساله است که مشاور ارشد سیاست خارجی خانم کلینتن میباشد. قبل از شغل کنونی، ایشان مشاور امنیت ملی آقای جو بایدن معاون پرزیدنت اوباما بودند. ایشان همچنین نقش مهمی در شکل دادن سیاست آقای اوباما در قبال لیبی، برمه، و سوریه داشتند. زمانی که مذاکرات محرمانه آمریکا با ایران در سال ۲۰۱۱ در عمان آغاز شد، و پس از مدتی توقف در سال ۲۰۱۳ ادامه یافت، آقای سالیوان یکی از اعضای اصلی تیم دیپلماتیک آمریکا در مذاکرات بودند که تا پایان مذاکرات حضور داشتند. گفته میشود که اگر خانم کلینتن به ریاست جمهوری برساند، آقای سالیوان مشاور امنیت ملی ایشان خواهند بود.

نفر بعدی خانم لورا روزنبرگر ۳۵ ساله، معاون آقای سالیوان میباشد. تخصص ایشان مسائل خاور دور است. ایشان از سال ۲۰۰۴ به مدت پنج سال در وزارت خارجه آمریکا در بخش کره کار میکردند. بعد از آنکه خانم کلینتن وزیر خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۹ شدند، خانم روزنبرگر دستیار ویژه ایشان به مدت ۱۴ ماه بودند، و بعد برای دو سال در دفتر امور چین و مغولستان وزارت خارجه کار میکردند. ایشان بودند که نطق طولانی خانم کلینتن درباره داعش و خاورمیانه در ماه نوامبر گذشته را برای ایشان ویراستاری نمودند (و احتمالاً نوشتند). ولی روشن نیست که موضع ایشان درباره ایران چیست. ایشان کلیمی میباشد.

دیگر اعضای اصلی تیم سیاست خارجی خانم کلینتن شامل آقایان [لیان پنتا](#) رئیس سابق سازمان سیا و وزیر سابق دفاع در دولت آقای اوباما، [تام دانیلین](#)، مشاور امنیت ملی سابق آقای اوباما، [کرت کمپیل](#)، معاون سابق وزیر خارجه برای امور آسیای شرقی و اقیانوس آرام در دولت آقای اوباما، و [نیکلاس برنز](#) معاون سابق وزیر خارجه در دولت پرزیدنت بوش پسر، و همچنین خانم‌ها مدلین آلبرایت و [میثیل فلرنوی](#) معاون سابق وزیر دفاع در دولت آقای اوباما میباشند. در دوره آقای دانیلین بعنوان مشاور امنیت ملی پرزیدنت اوباما بود که تحریم‌های کمر شکن اقتصادی بر ضد مردم ایران وضع و اجرا شدند. در عین حال [شایعات زیادی وجود دارند](#) که در دولت احتمالی خانم کلینتن چه کسی وزیر خارجه خواهد بود.

دو دیپلمات که به خانم کلینتن بسیار نزدیک هستند و از نظر نگارنده بسیار ترسناک آقای دنیس راس و خانم ویکتوریا نولند میباشند. [آقای راس](#) یکی از مهمترین رهبران لابی اسرائیل در آمریکا میباشند. خانم نولند در حال حاضر معاون وزیر خارجه در امور اروپا هستند، و رهبری دخالت آمریکا در اوکراین را به عهده دارند. بسیاری از کشورهای اروپا مایل نبودند و نیستند که با روسیه درباره اوکراین درگیری داشته باشند. در سال ۲۰۱۴، زمانی که آقای جفری پایت سفیر آمریکا در اوکراین [در مکالمه تلفنی خود با خانم نولند](#) از عدم تمایل کشورهای اروپایی به درگیری زیاد در اوکراین اطلاع داد، خانم نولند پاسخ دادند، "فاک اروپا." [متن مکالمه را در اینجا بخوانید](#) تا ببینید خانم نولند چگونه صحبت می‌کند. ایشان راجع به سه نوکر آمریکا در اوکراین صحبت می‌کند، تصمیم می‌گیرد کدامین باید در دولت کار کنند و کدام کار نکند، هفته‌ای چندبار با هم صحبت کنند، و غیره. [در یک سخنرانی در کنفرانس "بنیاد روابط آمریکا-اوکراین"](#) در فوریه ۲۰۱۴ خانم نولند بطور آشکار قبول کردند که آمریکا ۵ میلیارد دلار در اوکراین هزینه کرده است تا [حکومت غیر دلخواه خود را سرنگون کند](#). همسر خانم نولند [آقای رابرت کیگان](#) یکی از دو رهبر اولیه نئوکان‌ها هستند که "مغز متفکر" هجوم غیر قانونی آمریکا به عراق و وقایع بعدی بودند. برادر همسر ایشان آقای فردریک کیگان هستند که [در امریکن انترپرایز انستیتو](#) تیول نئوکان‌ها حضور دارند. همسر آقای فردریک کیگان خانم کیمبرلی کیگان هستند که رئیس "موسسه مطالعات جنگ" هستند که بودجه آنرا صنایع نظامی آمریکا تامین میکنند. خانم نولند [یکی از نامزدهای جدی برای وزارت خارجه](#) در دولت احتمالی خانم کلینتن هستند.

## کلام پایانی

نگارنده به شدت نگران این مواضع خانم کلینتن است. روزنامه نیویورک تایمز که نامزد ریاست جمهوری اش خانم کلینتن است، لطفیه بسیار خنده داری در دفاع از او نوشته است. در مقایسه خانم کلینتن با آقای ترامپ [این روزنامه ادعا می‌کند](#)،

"در حوزه سیاست خارجی هیلری کلینتون به مراتب بهتر است؛ وی به اصول سنتی و مورد اجماع در سیاست خارجی آمریکا پایبند است و مقابل چین و روسیه موضعی سخت اتخاذ خواهد کرد. خانم کلینتن در لحاظ کردن رعایت حقوق بشر به عنوان بخش مهمی از سیاست خارجی آمریکا تردید نخواهد کرد".

خواندن این باعث خنده شدید نگارنده شد. کارنامه خانم کلینتن را در بالا ملاحظه نمودید. خانم کلینتن، مدافع حقوق بشر؟ لابد در سیاست خارجی امپریالیستی خانم کلینتن نابودی عراق، لیبی، سوریه و یمن دفاع

از "حقوق بشر" است، منتها این "حقوق" از آن اسلحه سازان و جنگ طلبان است، چون به هر حال آنها هم "بشر" هستند و دارای حقوق که توسط خون مردم این کشور ها تأمین میشود. این جنگ های امپریالیستی تنها هدفی که نداشتند، حقوق بشر بود. آیا متحدانی چون عربستان سعودی و دیگر کشورهای پادشاهی مطلقه خلیج فارس، مصر و دیگر دیکتاتوری های منطقه مدافع حقوق بشر هستند؟ این لطیفه ها فقط برای فریب مردم عوام آمریکا که هیچ اطلاعی از جهان ندارند خوب است.

به عقیده نگارنده، اگر خانم کلینتن انتخاب شود، احتمال شدید شدن تنش با تهران، و حتی جنگ، وجود دارد. نگارنده معتقد است که خانم کلینتن شخصیتی است که به هیچ اصولی معتقد نیست، و فقط خواهان به قدرت رسیدن است. برای درک این موضوع کافی است روابط غیر مشروع خارج از ازدواج آقای بیل کلینتن که شهره خاص و عام هستند را بیاد آوریم، و از خود پرسیم چرا خانم کلینتن در چنین ازدواجی باقی ماند؟ پاسخ این سوال فقط یک کلمه است: قدرت.

آیا خانم های غیر فمینیست ایرانی حاضرند با همسر هوسران خود که به آنها خیانت می کند زندگی کنند؟ خانم های فمینیست چطور؟ وقتی خانم های آزاده ایرانی چنین رفتار شنیعی را نمی پذیرند، چرا یک خانم که متعلق به قشر ثروتمند و همچنین لایه های بالای قدرت سیاسی آمریکا میباشد چنین می کند؟ آیا او مانند خانم های ایرانی پس از طلاق گرفتار میلیون ها مصیبت می شد؟ واضح است که خیر. بیل کلینتون همیشه گرفتار استفاده جنسی از خانم ها بوده و هیلری آنها را توجیه نموده است.

در نظام سیاسی دو حزبی آمریکا که پول و ارتباطات حرف اول را میزنند، نامزد ریاست جمهوری شدن از یکی از دو حزب در مرحله اول احتیاج به شهرت و وابستگی به دستگاه قدرت دارد. نمونه بسیار خوب آن خانم سرا پلین است که نه تنها یک فرد راستگرای ارتجاعی است، بلکه از لحاظ دانش سیاسی یک بی سواد و احمق به معنای کامل کلمه است. ولی فقط بخاطر اینکه آقای جان مکین ایشان را بعنوان معاون خود به مردم آمریکا معرفی نمود، ایشان هنوز پس از ۸ سال در سطح آمریکا مطرح هستند. در مورد خانم کلینتن هم این گفتار صادق است. علیرغم هوش و توانائی های بسیار خانم کلینتن، پیشرفت ایشان در نظام سیاسی آمریکا به مقدار زیادی بخاطر همسر بیل کلینتن بودن ایشان است، که خود پایه ای شد برای انتخاب ایشان بعنوان سناتور ایالت نیو یورک، وزیر خارجه شدن، و یکی از دو نامزد اصلی حزب دموکرات برای ریاست جمهوری.

خانم کلینتن دائماً صحبت از تحریم های جدید بر ضد مردم ایران می کند. آقای شین بائر، که به همراه دو دوست خود در ماه جولای ۲۰۰۹ در مرز عراق توسط سپاه دستگیر شد و دو سال در زندان بود، به شدت از پیشنهاد خانم کلینتن برای تحریم های جدید انتقاد کرده است. ایشان همچنین گفته اند که وقتی در زندان در تهران بودند، "هر زمانی که صدای خانم کلینتن را شنیدم، قلبم فرو می ریخت. ایشان کاری بجز بالا بردن تنش با ایران ندارد". خانم کلینتن آقای هنری کیسینجر، که یک جنایتکار جنگی هستند را تحمین می کند، و نئوکان ها، رهبران "فکری" هجوم به عراق و ویران شدن خاورمیانه، اعلام کرده اند که با سیاست خارجی ایشان بسیار راحت هستند و توافق دارند. مجله و وبسایت بسیار معتبر آتلانتیک در ۱۳ ماه مه هم گزارش داد که در طول مذاکرات هسته ای با ایران تا پایان سال ۲۰۱۲، و حتی بعد از آن که

خانم کلینتن وزارت خارجه را ترک کرده بود، ایشان نقش "پلیس بد" را ایفا کرده بود، با دادن امتیازهای کوچکی به ایران مخالفت میکرد، و با جمهوریخواهان جنگ طلب روابط بسیار نزدیکی دارد. چرا جنگ طلبان نئوکان از ریاست جمهوری خانم کلینتن دفاع می کنند؟ پاسخ آن روشن است: خانم کلینتن به سیاست امپریالیستی مداخله نظامی در کشورهای دیگر ایمان دارد.

برای جنگ طلبان ایرانی که در پشت پرچم مداخله به اصطلاح بشردوستانه مخفی شده و از حمله نظامی به کشورهای افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، و یمن دفاع کرده اند؛ خانم کلینتن بهترین فرد برای ریاست جمهوری آمریکا است، که از هم اکنون چپ‌های بریده ایرانی برای ایشان مشغول تبلیغ هستند. آنها برای ایران بمب اتمی "تولید" می کردند که به ایران حمله نظامی شود، ولی حال که روشن شده بمب های اتمی شان وجود خارجی نداشتند، باید فردی جنگ طلب و دشمن ایران به ریاست جمهوری دست پیدا کند تا هوس آنها برای نابودی را محقق کند.

اگر خانم کلینتن رئیس جمهور آمریکا شود، دوباره بازار جنگ طلبان ایرانی گرم خواهد شد. پرزیدنت اوباما آنها را نا امید کرد، ولی خانم کلینتن که دشمن ایران و نزدیک‌ترین متحد اسرائیل است، اینچنین نخواهد بود. دوباره دستگاه دروغ سازی به راه خواهد افتاد که بمب های اتمی و موشک های بالستیک ایران در حال نابودی بشریت و آفرینش هلوکاست جدید هستند. از این جماعت بعید نیست که شجره نامه ای اسلامی برای آدولف هیتلر هم ابداع کنند.

هموطنانی که دوستدار کشور ایران هستند قطعاً نمی توانند حامی جنگ طلبی مانند خانم کلینتن باشند. ایشان برای ایران و خاورمیانه بسیار خطرناک است، چون از دخالت نظامی آمریکا در کشورها دفاع می کند. البته ایرانیانی که آمریکاپرست شده و بیش از نئوکان ها سیاست های امپریالیستی آمریکا را توجیه و تشویق می کنند، دفاع از خانم کلینتون و حمله بی اساس به آقای سندرز تکلیف شرعی واجب عینی آنهاست. یکی از طرفداران آتشین خانم کلینتن همان ایرانی است که اعلام کرد اگر نتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد، چاره‌ای به جز تجزیه ایران وجود ندارد. ایشان که نگارنده در گذشته او را "قلم برای اجاره" نامید، اعلام کرد که بزرگ "زشت" است و کوچک زیبا، و در نتیجه باید ایران بزرگ را تجزیه کرد. ایشان همچنین بعنوان "شهروند جهان" اعلام کرد کشته شدن چند صد هزار ایرانی توسط غرب بهتر از کشته شدن میلیون‌ها نفر غربی توسط آقای خامنه‌ای است. ایشان که در وطن فروشی بی‌نظیر هستند، حال طرفدار دو آتشه خانم کلینتن هستند؛ تو خود حدیث مفصلّ خوان از این مجمل. دشمنی این گروه با آقای سندرز که در مقاله های مختلف این گروه از امضا کنندگان بیانیه جنگ طلبانه ای که به دروغ گفتند و نوشتند که ایران در حال استفاده نظامی از انرژی هسته ای است و این استفاده به مرحله خطرناکی رسیده که صلح و امنیت جهانی را به خطر انداخته است، دشمنی جنگ طلبان با صلح است. آنها تنها چیزی که برای نفی آقای سندرز دارند این است که دائماً ادعا کنند و بنویسند که برنی سندرز یک پوپولیست است، در حالیکه این جماعت حتی معنای واقعی پوپولیست را هم نمیدانند.

آنچه برای نگارنده محرز است اینستکه او در تحت هیچ شرایطی به خانم کلینتن رأی نخواهد داد.

پایان قسمت اول مقاله

\*\*\*\*\*

نگارنده از خوانندگان گرامی دعوت می‌کند که برای دریافت آخرین خبرها و تحلیل‌ها در باره ایران و بقیه خاور میانه، هم به فارسی و هم به انگلیسی، از وبسایت او، [اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه](#) بازدید کنند، و مصاحبه‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی او را [در اینجا تماشا](#) کنند. فیسبوک نگارنده در [اینجاست](#).